

جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران^۱

حسین خورشیدی^۲

فردین مرادخانی^۳

چکیده

"شورای عالی انقلاب فرهنگی" به عنوان مرجع سیاستگذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب شده که تصویبات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است. در همین راستا مأموریت‌های شورای عالی، تصحیح و ارتقای فرهنگ و سازماندهی امور فرهنگی برای حفظ استقلال و تحکیم و تعمیق تدین و فرهنگ دین‌باوری در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی تعریف شده است. شورای مذکور در راستای اهداف و وظایف خاص خود با قوای سه‌گانه مطرح در اصل ۵۷ قانون اساسی (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) و همچنین با نهادهای دیگر همچون نهاد رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارتباط‌های تنگاتنگی دارد. چرا که مرکز تصمیم‌گیری‌ها و عوامل عمده تأثیرگذار در اداره کشور همین‌ها می‌باشند. بنابراین هر نقشی از هر نهادی باید به این عوامل منتهی شود. این مقاله پس از بیان جایگاه دقیق شورای عالی در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، روابط موجود بین شورای مذکور با قوای سه‌گانه مطرح در اصل ۵۷ قانون اساسی و نهادهای دیگر را مورد بحث قرار داده است.

کلید واژه: شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوای سه‌گانه، ولایت فقیه، مجمع تشخیص مصلحت نظام

^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۲/۱۷

^۲ عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر

^۳ پژوهشگر و نویسنده مسائل حقوقی

مقدمه

شورای عالی انقلاب فرهنگی در حال حاضر با در نظر گرفتن اهداف و وظایف محوله خود، در کنار مراجع و نهادهای تقنینی در کشور، به امر سیاستگذاری و وضع مقررات در تمام زمینه‌هایی که مرتبط با فرهنگ می‌باشد، می‌پردازد و این در حالی است که در مورد جایگاه حقوقی شورای عالی در ساختار حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران ابهاماتی وجود دارد بطوریکه در طول فعالیت این شورا، از طرف بعضی از صاحب‌نظران حقوقی و سیاسی سؤالاتی در این رابطه مطرح گردیده است. مسأله وجود ابهامات، در جایگاه حقوقی شورای مذکور باعث می‌شد تصمیماتی که شورای عالی در حیطه اهداف و وظایف خود اتخاذ نمود، در مرحله اجرا با مشکلات زیادی مواجه گردد. شورای عالی در راستای فعالیت را هدف و جودی با قوای سه‌گانه اصل ۵۷ و نهادهای دیگر که در ساختار نظام مطرح است ارتباط و همکاری‌های گسترده‌ای دارد. در ذیل به تبیین مسأله مذکور خواهیم پرداخت.

مبحث اول : جایگاه حقوقی شورای عالی در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک مرجع تصمیم‌گیرنده، اقدام به تصویب مصوبه‌هایی می‌کند که این مصوبات مثل سایر ضوابط مصوب مراجع قانونگذار (مانند مجلس شورای اسلامی) ترتیب اثر داده می‌شود. چنین حقی به این شورا توسط کدام یک از مراجع ذی صلاح در جمهوری اسلامی داده شده است؟ مسلماً اگر مرجع ذی صلاح وجودی این شورا، معین شود تا حدودی ابهامات موجود پیرامون جایگاه شورای عالی رفع خواهد شد. در ذیل سعی خواهد شد مراجع ذی صلاح برای تأسیس شورا در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی تبیین گردد تا معلوم گردد که آیا شورای عالی توسط مرجع ذی صلاح ایجاد شده یا نه؟ در غیر این صورت بنیان و اساس وجودی شورا زیر سؤال می‌رود و بدین ترتیب شورای عالی جایگاه حقوقی خاصی در ساختار حاکمیت نخواهد داشت سپس موقعیت حقوقی این شورا تبیین و تشریح خواهد شد.

گفتار اول : مرجع مؤسس شورای عالی

شوراهای موجود در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی به طور کلی توسط چهار مرجع بوجود آمده‌اند. بعضی از شوراها توسط قانون اساسی، بعضی توسط قوانین عادی، بعضی توسط مصوبات هیئت وزیران و بعضی هم توسط مقام رهبری تأسیس شده‌اند در ذیل به تشریح موارد مذکور خواهیم پرداخت.

بند اول : مراجع مؤسس شوراها در ساختار حاکمیت

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی در کشور ایران، بنا به ضرورت یا مصلحت نهادها و شوراهای زیادی با تخصص خاصی به وجود آمدند. مرجع تشکیل این شوراها همگی یکسان نبودند. از لحاظ

منشاء وجودی شوراها در ایران شوراهایی همچون شورای عالی امنیت و مجمع تشخیص مصلحت در قانون اساسی پیش بینی شده اند. پاره ای دیگر از شوراها نظیر شورای عالی اداری یا شورای عالی شهرسازی و معماری ایران بر اساس قوانین عادی و گروهی از شوراها نیز بر حسب نیاز و مقتضیات وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی همچنین عده‌ای از شوراها همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط فرمان مقام رهبری به وجود آمده‌اند در جهت نمود جایگاه شورای عالی، بررسی خواهد شد که منشاء وجودی شورای عالی در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی کدام یک از مراجع ذی صلاح ذیل می باشد:

الف: شوراهایی که توسط قانون اساسی به وجود آمده اند

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قبلی امت اسلامی می باشد.^۴ اصول موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ شکلی محدود به یکصد و هفتاد و هفت اصل است ولی از لحاظ محتوایی خیلی گسترده و غنی می باشد. در یک بررسی کلی مهمترین شوراهایی که توسط قانون اساسی، ایجاد شده اند عبارتند از؛ مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی امنیت ملی. مجمع تشخیص مصلحت بر اساس اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی تشکیل شده است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبر به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است و همچنین "طبق اصول یکصد و دهم و یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی، مجمع تشخیص مصلحت وظیفه ارائه مشورت به رهبری جهت تعیین سیاستهای کلی نظام و نیز در خصوص بازنگری قانون اساسی را به عهده دارد.

دیگر شورای ایجاد شده توسط قانون اساسی که در بالا ذکر شد "شورای عالی امنیت ملی" است. فصل سیزدهم و اصل یکصد و ششم قانون اساسی که ناظر به تشکیل شورای عالی امنیت ملی، اهداف و وظایف آن می باشد که در بازنگری سال ۱۳۶۸ به قانون اساسی افزوده گردیده است. دلیل تأسیس این شورا در قانون اساسی، احساس نیاز و ضرورت وجودی هماهنگی و ارتباط نزدیک با ارگانها و نهادهای مختلف نظام در امور امنیتی و دفاعی کشور بوده است. با توجه به اینکه مسائل امنیتی و دفاعی مقدم با سایر اموری می باشد لذا مصوبات این شورا نیز در محدوده وظایف تعریف شده (پس از تأیید مقام معظم رهبری) مقدم بر امور دیگر شناخته شده است. از آنجا که شورای مذکور، تحت نظارت رهبری فعالیت می کند و اعتبار مصوبات آن منوط به تأیید آن مقام است، در این خصوص قوای سه گانه (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) هیچ گونه نظارت و اشرافی بر این شورا و مصوبات آن ندارند بنابراین شورای عالی امنیت ملی در اتخاذ تصمیمات خود، مستقل از قوای سه گانه عملی می کند در حالی که سیاست هماهنگی کردن امور کشور با تدابیر دفاعی امنیتی، بر عکس قوای سه گانه تحت تبعیت و تأثیر شورا قرار می گیرد.

ب: شوراهایی که توسط قوانین عادی به وجود آمده اند

در سیستم جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، تنها مرجع تصویب قوانین می‌باشد و در عین حال هم اصل هشتم و پنجم قانون اساسی تأکید می‌کند "... مجلس نمی‌تواند اختیار قانونگذاری را به شخص یا هیئتی واگذار نماید" با این وجود، برخی ضروریات ایجاد کرده ضمن تأسیس بعضی شوراهای برای نیل به اهداف خاص و در چارچوب مقررات قانونی به این گونه شوراهای اختیار وضع مقررات و تصویبنامه‌هایی را بدهد. بدیهی است مصوبات این شورا، در صورت تعارض با قانون اساسی و موازین شرع و یا با قوانین عادی طبق اصول یکصد و هفتاد و یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و مواد یازدهم و بیست و پنجم قانون دیوان عدالت اداری فعلی، قابل طرح در دیوان عدالت اداری و قابل ابطال خواهد بود. شوراهایی نظیر شورای عالی اداری و شورای اقتصادی از جمله شوراهایی هستند که توسط قوانین عادی بوجود آمده‌اند. هدف از تشکیل شورای عالی اداری^۵ طبق تبصره سی و یکم قانون برنامه دوم توسعه مصوب سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی "... اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات و سازماندهی، سیستمها و روشها، مدیریت امور انسانی و مقررات..." و همچنین در ماده یک قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷، هدف از تشکیل شورای مذکور را "... تصحیح، بهسازی و اصلاح نظام اداری در ابعاد تشکیلات، مدیریت منابع انسانی، مقررات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) و افزایش بهره‌وری دستگاه‌های اجرائی..." قلمداد می‌نماید. بر اساس ماده دوم از فصل دوم قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱/۱۲/۱۰ هدف از تشکیل "شورای اقتصاد" را "هدایت و هماهنگ کردن امور اقتصادی کشور" بیان می‌کند. در این راستا با توجه به بندهای مختلف ماده سوم از فصل دوم همین قانون پاره ای از وظایف تصمیم‌گیری یا مشورتی برای شورای اقتصاد قائل شده است.^۶

ج: شوراهایی که توسط مصوبات هیئت وزیران به وجود آمده اند

هیئت وزیران بر اساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، مأمور تدوین آئین‌نامه اجرایی قوانین هستند و همچنین حق دارند برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان اداری، اقدام وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه نمایند. بر همین اساس پاره ای از شوراهای اداری توسط هیئت وزیران در چارچوب قوانین و وظایف محوله به دولت تأسیس شده‌اند. چنین شوراهایی گاه نقش اتخاذ تصمیم و صدور مصوبات در چارچوب وظایف قانونی محوله را به عهده داشته و گاه نقش تهیه و پیشنهاد طرحهای مفید و یا پیشنهاد و توصیه به دولت جهت اجرای بهتر قوانین و در پاره ای موارد نقش ارائه مشورت جهت مافوق را به عهده دارند. بعنوان مثال از "شورای اداری ایرانگردی و جهانگردی" و "شورای اجتماعی و فرهنگی استانها" می‌توان نام برد. شورای عالی

۲- اداره کل تدوین و تنقیح قوانین، مجموعه سازمانهای دولتی، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، زمستان سال ۱۳۸۱، جلد پنجم، ص ۱۵۰.

۳- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اداره کل روابط عمومی، مجموعه مصوبات و ابلاغیه های شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸ - ۱۳۶۳)، تهران، روناس، چاپ اول، سال ۱۳۸۱، جلد اول، ص ۳۶.

ایرانگردی و جهانگردی^۷ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ۷/۲۳۰۸ مورخ ۱۳۶۹/۷/۲۸ و به استناد تبصره ماده دوم از قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی مصوب مورخ ۱۳۷۰/۷/۷ در نشست مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۲۵ اساسنامه آن شورا به تصویب هیئت وزیران رسید. بر اساس ماده اول اساسنامه هدف از تشکیل شورای مذکور را این طور بیان نموده که «..... به منظور تعیین و ترسیم سیاست ایرانگردی و جهانگردی و ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های ذیربط شورای عالی ایرانگردی و جهانگردی تشکیل می‌گردد.» «شورای اجتماعی و فرهنگی استانها»^۸ مصوب ۶۶/۱۰/۲۳ هیئت وزیران می‌باشد، در ماده دوم آئین نامه تشکیل شورای مذکور، وظایف و اختیارات آن را معین نموده است به طوری که برای شورای اجتماعی و فرهنگی استانها، یک سری وظایف مدیریتی، نظارتی و ایجاد هماهنگی، تعیین اولویتهای اجتماعی تقویت و هدایت نهادهای خود جوش مردمی.... را در نظر گرفته است.

د: شوراهایی که توسط مقام رهبری به وجود آمده اند

مثال بارز این شوراها که توسط مقام منیع رهبری در طول مسیر فعالیت جمهوری اسلامی در ساختار حاکمیت به وجود آمده می‌توان از شورای عالی انقلاب فرهنگی نام برد. به طوری که این شورا به تبع ستاد انقلاب فرهنگی به فرمان حضرت امام خمینی [ره] بنیان نهاده شد. در این قسمت به خاطر حساسیت موجود در موضوع بحث ابتدا به بررسی اختیارات رهبری در چارچوب قانون اساسی پرداخته می‌شود و سپس تشریح خواهد شد که آیا در حیطه وظایف و اختیارات مقام رهبری هست که دستور تشکیل نهاد و یا شورایی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی را صادر کند یا نه؟

۱- بررسی اختیارات مقام رهبری در قانون اساسی

صدور فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی مقارن با حاکمیت اولین قانون اساسی (سال ۱۳۵۸) می‌باشد. پس لازم است به خاطر دقت در فهم اختیارات مقام رهبری جهت فرمان تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به بررسی اختیارات مقام رهبری جهت فرمان تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی به بررسی اختیارات رهبری در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ پرداخته شود. بعد از انتخابات روز جمعه ۲۹ تیر سال ۱۳۵۸ مورخ ۲۸ مرداد همان سال هئیتی که نام خبرگان به خود گرفت با حضور هفتاد و دو تن از مسئولان انقلاب به امر تدوین قانون اساسی، شروع به فعالیت نمود. یکی از موضوعات که بحث‌های زیادی در مورد آن صورت گرفت، موضوع اختیارات رهبری بود که برخی از نمایندگان تلاش می‌کردند حیطه اختیارات مقام رهبری را در نظام جمهوری اسلامی بسط بدهند و برخی افراد نیز در جهت جلوگیری از تمرکز قدرت در یک نهاد خاص، تلاش می‌کردند. جناب فاتحی یکی از اعضای خبرگان مذکور که مخالف محدود کردن اختیارات مقام رهبری و طرفدار بسط اختیارات مقام رهبری بودند می‌فرمایند: «به نظر من واقعاً کلمه استبداد فقیه بزرگترین توهین هاست زیرا کلمه فقیه با استبداد تضاد دارد فقیه و امامت امت همانند پیامبران به عنوان رحمت و عطف و مهربانی برای مردم آمده و در حقیقت این وابسته به عطف مردم است.... پس بنابراین محدود نمودن به هیچ وجه با آنچه فکر می‌کنم صلاح نیست

۴- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اداره کل روابط عمومی، مجموعه مصوبات و ابلاغیه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۳)، جلد سوم، ص ۱۴۱.

۵- همان، ص ۴۱۰.

۹ در مقابل جناب مکارم شیرازی در مقام طرفدار محدودیت اختیارات مقام رهبری می فرماید: « شاید چندین قرن بگذرد که مردی با ویژگی‌ها و صفات عالی او و شرایط زمانی و مکانی او پیدا شود که بتوان همه کارها را به دست او سپرد این یک استثناء تاریخ است، قانون اساسی را باید برای هر زمان و مکانی بنویسیم.... این ماده از قانون می گوید همه سرنخها به دست ماست. این بهترین دستاویز برای دشمن ماست. آنها با همین سند خواهند گفت عده از علمای دینی در مجلس خبرگان نشستند و یک قانون اساسی که پایه‌های حکومت خودشان را تثبیت می کرد نوشتند..... ما حاکمیت ملت را در اصول گذشته تصویب کرده ایم کاری نکنیم که حاکمیت مردم یک شیر بی دم و سر و شکم شود... غبطه مردم مسلمان ایجاد می کند اختیارات مختلف را که دلیل شرعی بر آن نداریم در خودمان متمرکز نکنیم که سخت موجب ابهام است.^{۱۰}»

بالاخره بحث‌های حصر اختیارات مقام رهبری و یا بسط اختیارات آن مقام منیع در خبرگان مذکور، با حصر اختیارات رهبری به تصویب اکثریت رسید. اختیارات مقام رهبری در اصل یکصد و دهم قانون اساسی در ۶ بند ذیل قرار گرفت؛ وظایف و اختیارات رهبری:

۱- تعیین فقهای شورای نگهبان

۲- نصب عالی‌ترین مقام قضایی کشور

۳- فرماندهی کل نیروهای مسلح به ترتیب زیر:

الف: نصب و عزل رئیس ستاد مشترک

ب: نصب و عزل فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ج: تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب هفت نفر از اعضای زیر؛ رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو مشاور به تعیین رهبر.

د: تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع

۴- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم، صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می آید باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.

۵- عزل رئیس جمهوری با در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او

۶- عضو یا تخفیف محکومین، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور

وجود اصل مذکور و بحث‌های صورت گرفته در خبرگان تدوین قانون اساسی نشان دهنده حصر اختیارات رهبری است، والا نیازی به صرف وقت و بحث‌های طولانی در این مورد نبود. همچنین در جهت حمایت حقوق مردم در مقابل فرمانروایان، به آراء مردم که با در نظر گرفتن اصول قانون اساسی به بندبند آن

۶- اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، سال ۱۳۶۴، جلد دوم، صص ۱۱۴۹ - ۱۱۴۸.

رأی موافقت داده اند، باید احترام گذاشته شود ولیکن پس از تصویب قانون اساسی سال ۵۸، مقام رهبری اموری را که خارج از اختیارات اصل یکصد و دهم بود، انجام داد و این عمل باعث شد عده ای از صاحب نظران مردد بمانند که آیا اختیارات موجود در اصل یکصد و دهم حالت حصر دارد یا تمثیل؟

“ با وجود پیش بینی نهاد و سازمانی گوناگون زمامداری، بر اساس نظام تفکیک قوا با نظارت رهبری و تعیین حقوق و وظایف هر یک در قانون اساسی سال ۱۳۵۸، تجربه چند ساله نشان داد که انجام وظیفه و اتخاذ تصمیم برخی از امور، با رعایت کامل قانون، به راحتی نمی توانست قابل اعمال باشد. در این مدت، بن بست ها و تشهایی در کشور بوجود آمد که به هر حال، حل و فصل و رفع آن، برای تثبیت اصل نظام ضروری می نمود. مجمع تشخیص مصلحت نظام پدیده ای است که پس از پاره ای چاره جویی های موردی، با ابتکار و به موجب فرمان مورخ ۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی [ره] تأسیس گردید.^{۱۱} نمونه دیگر از ابتکارات مقام رهبری مسئله بازنگری در قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ بود که در قانون اساسی در آن مورد بحثی صورت نگرفته بود. امام خمینی [ره] طی نامه ای مورخ ۶۳/۲/۴ چنین بیان نمود؛“ از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور اکثر مسئولین و دست اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده اند که قانون اساسی با این که دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه که کمتر به آن توجه شده است ولی خوشبختانه مسئله متمیم قانون اساسی پس از یکی دو سال مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر در جامعه اسلامی و انقلابی ماهیت و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای یک کشور و انقلاب گردد.....^{۱۲}

موارد مذکور نشان دهنده ابتکارات فراتر از اختیارات رهبری مندرج در اصل یکصد و دهم قانون اساسی است همه اینها نشانگر گرایشی است که به مرور زمان و در اثر نمود برخی مشکلات عینی نسبت به توسعه حدود اختیارات رهبری و در واقع ولایت مطلقه فقیه گردیده است.

۲- طرح قضیه ولایت فقیه

ولایت از ریشه (و - ل - ی) مشتق شده است و مشتقات این ماده در عربی و فارسی فراوان مورد استعمال قرار می گیرد. برخی از استعمال از قبیل: ولایت، ولاء، ولی، اولیاء، مولی، موالی، موالی علیه، تولیت، تولی، متوالی و ولایی می باشد.^{۱۳} معنای اصلی ماده ولی را جناب راغب اصفهانی، در مفردات خویش چنین بیان نموده که؛“ آن است که در دو یا چند چیز به گونه ای کنار هم قرار می گیرند که هیچ چیز غیر خودشان بین آنان حائل نباشد.“^{۱۴} از این معنا می توان به نزدیکترین قرب و نفوذ تعبیر نمود و قرب نزدیکی مورد نظر در ولایت را اعم از قرب مکانی و معنوی دانسته اند. ریشه وجودی ولایت فقیه به قرن چهارم بر می گردد. “در قرن حاضر می توان

۸- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی)، تهران، نشر میزان، چاپ دهم، پاییز سال ۱۳۸۴، جلد دوم، ص ۵۳۹.

۹- خمینی، روح...، صحیفه نور، تهران، گردآوری مرکز مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، جلد دوم، سال ۱۳۶۱، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۱۰- منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ترجمه محمد صلواتی، تهران، کیهان، جلد اول، سال ۱۳۶۷، جلد اول، ص ۱۴۳.

۱۱- کدیور، محسن، حکومت ولایی، تهران، نشر نی، سال ۱۳۷۷، ص ۲۰.

از کثیری از فقها نام برد که قائل به نظریه ولایت فقیه می باشند از جمله آیت الله بروجردی، آیت الله سید عبد الله شیرازی، آیت الله منتظری و.... همچنین بزرگتر از همه که اعتقاد وافر به این نظریه در قرن حاضر داشت حضرت امام خمینی [ره] بود، به طوری که ایشان در مکتوبات گوناگون خویش کتاب اسرار و کتاب بیع به این مسئله پرداخته است. امام [ره] معتقد بود که اجرای احکام الهی جز رهگذر بر پایه حکومت اسلامی امکان پذیر نیست و در رأس حکومت اسلامی باید شخص آگاه به قوانین و مقررات اسلامی باشد، تا بتواند جامعه را هدایت و از انحراف آن به سوی بی نظمی و هرج و مرج جلوگیری کند.^{۱۵}

یکی از مهمترین و اساسی ترین موضوعات مربوط به ولایت فقیه حدود و اختیارات ولی فقیه می باشد. از نظر امام خمینی [ره] ولی فقیه دارای همان اختیاراتی است که پیامبر اکرم (ص) در صدر اسلام داشتند. به طوری که ایشان می نویسد؛ “همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند..... همان اختیارات ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولایت و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند خداوند همان اختیارات را برای حکومت فقیه قرار داده است.^{۱۶}

همچنین ولی فقیه هر زمان که مصالح مسلمانان اقتضا کند در حدود اختیارات خویش، احکامی صادر می نماید که همگان ملزم به اطاعت از ایشان می باشند.^{۱۷}

بر اساس همین حضرت امام خمینی [ره] فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی و پیروی آن شورای عالی انقلاب فرهنگی را صادر نمود. جناب جلال الدین فارسی که یکی از اعضای ستاد و شورای عالی انقلاب می باشد با اشاره به این موضوع می فرماید: “.... بعضی از افراد که ایمانشان نسبت به ولایت فقیه ضعیف است و یا ولایت فقیه را یک امر تشریفاتی می پندارند و فکر می کنند که ممکن است این امر را عملاً به صورت یک نظریه و قانون تشریفاتی در بیاورند. امام [ره] فرمودند که من به ستاد رسمیت دادم و ستاد قانونی است و این مسئله را مطرح کردیم که حتی در سیستم های غربی در مواردی که قانون اساسی مسکوت است احکام و فرامین رئیس جمهور یا احکام دیوان عالی کشور می توانند رویه ای ایجاد کنند که این رویه بعدها جزئی از قانون اساسی بشود و امام [ره] در اسلام نظام جمهوری اسلامی این اصل را پذیرفته است که قانون اساسی همه ارکان اسلام را در بر نگرفته، اینجوری نیست که جامع و مانع باشد احکام اسلامی است که در قانون اساسی نیامده بنابراین حکم اسلام را در خیلی موارد می توان در کنار قانون اساسی به اجرا گذاشت ضمناً قانون اساسی خودش قبول کرده که ولایت فقیه جزء اصول است و از طریق ولایت امر می شود بعضی مؤسسات را ایجاد کرد و اختیارات فقیه ولی امر علاوه بر آنچه در قانون اساسی مطرح است بنابراین امام [ره] می تواند نهادی مثل ستاد انقلاب فرهنگی تأسیس کنند و نهادهای دیگر را هم اگر لازم می دانند تأسیس کنند و بعد منحل نمایند.^{۱۸} همچنین جناب دکتر احمد احمدی در این رابطه می فرماید: “مسئله برای همه ما روشن است که ولی فقیه و امر

۱۲- واعظی، احمد، حکومت دینی، قم، مرصاد، سال ۱۳۷۸، ص ۱۷۹.

۱۳- خمینی، روح الله، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، امیرکبیر، سال ۱۳۵۷، ص ۵۵

۱۴- خمینی، روح الله، شئون و اختیارات ولی فقیه، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۱، ص ۳۵.

۱۵- فارسی، جلال الدین، در حاشیه مسائل انقلاب فرهنگی، ماهنامه دانشگاه انقلاب، مهر سال ۱۳۶۱، شماره شانزدهم، صص ۱۵-۱۲.

ولایت در رأس مجلس قرار دارد و آنکه حضرت امام [ره] به عنوان ولی فقیه حکمی را می فرمایند. این چیزی نیست که با مصوبات مجلس منافاتی داشته باشد و حتی خود مجلس ملزم به اجرا و تصویب آن مسائل است. در این صورت زمانی که خود امام [ره] ستاد را با کیفیتی مطلوب، البته معرفی می کنند جای بحث و برخوردی با مجلس یا فرضاً قوه مجریه نخواهد شد.^{۱۹}

بند دوم: علت عدم درج شورای عالی در قانون اساسی در بازنگری سال ۱۳۶۸

“قانون اساسی ۱۳۵۸، به خاطر دگرگونیهای سریع ناشی از انقلاب اسلامی در کوتاه ترین زمان به تصویب رسید و برخی از نهادهای سیاسی مقرر در این قانون حتی قبل از انقضای اولین سال انقلاب تأسیس گردید. تردیدی نیست که سرعت در تصویب چنین قانون بنیادین، که کلیه امور و شئون جامعه بر پایه آن استوار می گردد، بدون اشکال و ایراد نمی توانست باشد. بازتاب نسبت به تأسیسات سیاسی نظام گذشته و انعکاس آن در قانون اساسی جدید و عدم تجربه برای استقرار نظام بدیع و جدید جمهوری اسلامی (که تا آن زمان سابقه نداشت) مجموعاً قانون اساسی را با اشکال عملی مواجه ساخت.”^{۲۰} همچنین پس از تصویب قانون اساسی سال ۵۸ و حاکمیت آن، به خاطر بعضی از نیازها و ضرورتها نهادها و شوراها و به فرمان مقام رهبری تأسیس گردید. این مسئله به خاطر اینکه در قانون اساسی پیش بینی نشده بود موجب ایجاد مشکلاتی شد. از این نمونه می توان به مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره نمود. به همین خاطر احساس بازنگری در قانون اساسی قوت گرفت.^{۲۱} تا اینکه مورخ ۱۳۶۸/۵/۶ متن جدید و بازنگری شده قانون اساسی مورد قبول و تأیید ملت عزیز ایران قرار گرفت. این متن مورخ ۱۳۶۸/۵/۲۴ طی نامه ای به شماره ۱/۳۰۶۳ توسط جناب سید علی خامنه ای به دولت محترم جمهوری اسلامی ابلاغ گردید.^{۲۲}

ولیکن شورای عالی انقلاب فرهنگی که طی فرمان بنیانگذار انقلاب اسلامی بود در قانون اساسی سال ۱۳۶۸ درج نشده بود. دلیل عدم درج این شورا در اصول قانون اساسی شاید حاکی از مقطعی بودن عمر شورا بود و یا دلایل دیگر داشت؟ “دلیل این امر به درستی روشن نیست اما ممکن است بر اثر وجود مسائل مهمترین در آن زمان، غیر جنجالی بودن این نهاد و یا غیر دائمی بودن آن بود.”^{۲۳}

یکی از اعضای شورای عالی طی مصاحبه ای در رابطه با عدم درج شورای عالی انقلاب فرهنگی می فرمایند: “هیچ ضرورتی احساس نشد من از روند بررسی قانون اساسی در سال ۶۸ آگاهم به دلیل وجود یک سلسله مسائل ضرورت ایجاد می کرد که در قانون اساسی تجدید نظر بشود و لذا شورای ویژه ای تشکیل و به

۱۶- همان .

۱۷- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی (اصول و مبانی کلی نظام)، تهران، نشر میزان، چاپ پنجم، زمستان سال ۱۳۸۲، جلد اول، ص ۵۹.

۱۸- ر. ک: هاشمی، سید محمد، مقاله بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، پائیز و زمستان سال ۱۳۶۹، شماره هشتم، صص ۱۵۲ - ۲۲۶.

۱۹- روزنامه رسمی، شماره ۱۲۹۵۷، مورخ ۱۳۶۸/۶/۶.

۲۰- میرزاده کوهشاهی، نادر، سازمان اداری و اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۳۶۷، ص ۱۰۳.

بررسی آنها پرداخت. اما شورای عالی انقلاب فرهنگی، تا آنجا که من به خاطر دارم، جزو نکات ابهام یا اشکال نبود تا در آن فهرست قرار گیرد و مطرح شود. نه مسأله مقطعی بودنش مطرح بود و نه مسأله دائم بودنش، پس می‌توانیم این را ناشی از عملکرد هماهنگ مناسب شورای عالی انقلاب فرهنگی، با سایر نهادهای قانون کشور تلقی کنیم. بویژه اینکه در این شورا همواره راه تماس و هماهنگی با مجلس شورای اسلامی وجود داشت و علاوه بر آن، به دلیل حضور رئیس قوه قضائیه در شورای عالی انقلاب فرهنگی، امکان هماهنگی با دستگاه قضایی هم وجود داشت.^{۲۴} ولیکن دلایل مذکور برای عدم درج شورای عالی انقلاب فرهنگی در قانون اساسی سال ۱۳۶۸ زیاد معقولانه و منطقی نیست.

گفتار دوم: موقعیت شورای عالی انقلاب فرهنگی

همانطوری که در گفتار قبلی بحث شد منشاء وجود شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس فرمان مقام رهبری در حیطه نظریه فقهی ولایت مطلقه فقیه بود. حضرت امام خمینی [ره] تقریباً دو هفته قبل از شروع به کار مجلس قانونگذاری (مورخ ۱۳۵۹/۳/۲۳) فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را بنا به ضرورت و نیاز جامعه در راستای مسائل فرهنگی در آن برهه حساس صادر نمود. این ستاد نیز در وهله اولیه پیدایش با در نظر گرفتن نیاز جامعه در راستای اهداف و وظایف محوله خود اقدام به تصویب ضوابط نمود لیکن به خاطر عدم شفافیت جایگاه حقوقی این ستاد ضوابط مصوب ستاد انقلاب فرهنگی با مشکلات عدیده ای روبرو گردید به همین علت بحثهایی پیرامون جایگاه این ستاد به وجود آمد به طوری که نخست وزیر وقت در مورد مسئله ستاد انقلاب فرهنگی سؤالاتی را از شورای نگهبان می‌پرسند در متن نامه نخست وزیر آمده که: "۱- آیا دولت الزامی برای تبعیت از تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی دارد؟ ۲- آیا برای حفظ و حراست از این نهاد تا روشن شدن تکلیف در مجلس، دولت می‌تواند مسئولیت نتایج این تصمیمات را متوجه ستاد بداند و با دادن بودجه لازم، اجرا را نیز به ستاد بسپارد؟ ۳- پاسخگوی تصمیمات ستاد در مقابل مجلس کدام ارگان است؟" شورای نگهبان نیز طی نامه ای مورخ ۱۳۶۲/۴/۸ جواب داد. در قسمتی از جواب نامه مذکور آمده که: "عطف به نامه شماره ۱۰۳/م مورخ ۶۱/۵/۳۱ نظر به اینکه ستاد انقلاب فرهنگی به موجب فرمان امام تشکیل شده و قانونی درباره طرز تشکیل وظایف آن تا کنون به تصویب قوه مقننه نرسیده است تا موضوع از جهت قانون اساسی مورد بررسی و معان نظر قرار گیرد. لذا مقتضی است در این موضوع از مقام معظم رهبری کسب تکلیف شود....." جواب شورای نگهبان به جای اینکه گره از مشکلات موجود باز کند ابهامات موجود را دو چندان نمود.

به خاطر عدم شفافیت جایگاه ستاد انقلاب فرهنگی در نظام حقوقی ایران و نیاز روشن شدن جایگاه ستاد به خصوص در اجرای ضوابط مصوب ستاد مذکور در سال ۱۳۶۱ هیئت دولت لایحه "تشکیل شورای عالی فرهنگ" را به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمود. وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت طی مصاحبه در رابطه با مسائل مذکور می‌فرماید: "در موقعی هستیم که باید موضع و جایگاه ستاد انقلاب و برنامه‌های ستاد انقلاب فرهنگی که ما توانستیم در مراجع قانونی مربوطه آنها به تصویب برسانیم و به مرحله اجرا در بیاوریم..... وسعت

۲۱- میر سلیم، مصطفی، نگاه‌های به وضعیت و اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی، ماهنامه دانشگاه انقلاب، زمستان سال ۱۳۷۲، شماره صدم،

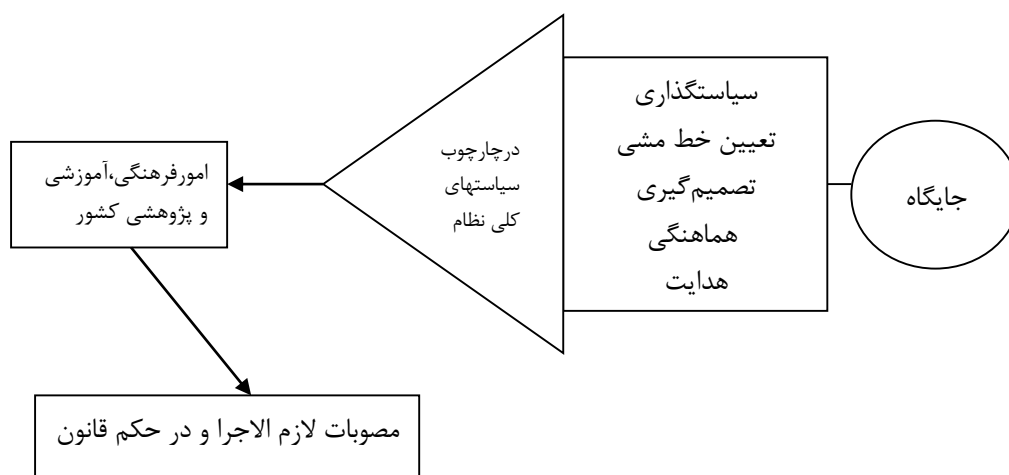
برنامه‌های جدید ایجاد می‌کند که موضع قانونی ستاد و وضعیت قانونی هر یک از برنامه‌ها هر چه زودتر روشن شود، به طوری که بشود آنها را به مرحله اجرا گذاشت “ همچنین ایشان در توجیه لایحه ارائه شده شورای عالی فرهنگ به مجلس شورای اسلامی اظهار می‌نماید که: “سوابق تهیه طرح بدین شکل است که از مدتها قبل برادران ستاد عالی انقلاب در ارتباط با برنامه ریزها و برخی از تصمیم گیرها و همچنین در ارتباط با ایجاد هماهنگی بین برنامه‌هایشان با برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی دولت یک جلسات هماهنگی را با مسئولین طراز بالای کشور مثل آقای رئیس جمهور و رئیس مجلس (شورای اسلامی) و آقای نخست وزیر داشتند که در بعضی از این جلسات بنده هم حضور داشتم. در آن جلسات، مسائل مربوط به هماهنگی بین برنامه‌های ستاد انقلاب فرهنگی با برنامه‌های دولت و خط کلی حرکت جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت و بعضاً هم مسائلی که ستاد انقلاب فرهنگی از تصمیم‌گیری قاطع در مورد آن مسائل خود را عاجز می‌دید و یا اینکه فکر می‌کرد باید آن مسائل با مشورت مسئولین طراز اول کشور حل و فصل بشود مطرح می‌شد و در جلسات بررسی می‌شد. ایده تشکیل شورای عالی فرهنگ در یکی از آن جلسات بوجود آمده... از آنجایی که خود من معتقد بودم که رفع بعضی از نابسامانیهای انقلاب فرهنگی از یک طرف و از طرف دیگر رفع بعضی از مشکلاتی که وزارتخانه‌های ارشاد اسلامی و آموزش و پرورش با آن مواجه هستند در قالب چنین طرحی امکانپذیر است و از سوی دیگر مسائل فرهنگی کشور را من یک پیکره واحد می‌بینم، معتقدم که ستاد انقلاب فرهنگی نتوانسته در مورد عمومی مسائل فرهنگی کشور خطی را ترسیم بکند و برنامه‌ای را ارائه بدهد و فقط به مسائل دانشگاهی پرداخته، فکر کردیم که تشکیل یک شورای عالی بتواند تمام مسائل فرهنگی کشور را تحت پوشش بگیرد و خط مشی‌های کلی و عام را تعیین بکند بسیار مفید خواهد بود “ اگر این لایحه به تصویب نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌رسید ستاد انقلاب فرهنگی و به تبع آن شورای عالی انقلاب فرهنگی در قالب شورای عالی فرهنگ قرار می‌گرفت و تا حدودی مشکلات مربوط به آن حل می‌شد متأسفانه به خاطر ایرادات و انتقادات وارده، لایحه مذکور در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید.

به موجب اصل پنجاه و هفتم و هشتم قانون اساسی و با عنایت به اصل حاکمیت قانون می‌توان گفت که اعطای اختیار وضع مقررات و ضوابط به شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای اهداف و وظایف از سوی مقام رهبری در چارچوب نظریه فقهی ولایت مطلقه فقیه است و خود شورا همانطوری که قبلاً بحث شد توسط مقام رهبری به وجود آمده و این هم بر اساس اختیاراتی که در نظریه فقهی ولایت فقیه برای ولی امر قائل هستند، می‌باشد. پس می‌توان گفت که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک مرجع تصمیم‌گیرنده مسائل فرهنگی در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی است. این امر از بیانات مقام معظم رهبری در پاسخ به سؤالات کارشناسان روابط عمومی دبیرخانه شورای عالی مورخ ۱۳۶۴ نیز معلوم است؛ “ما احتیاج داریم به این که به آن مظاهر غلطی که از آن فرهنگ [فرهنگ غربی] بر ما تحمیل کردند بنایم احتیاج به یک تهاجم فرهنگی داریم و فکر می‌کنم یک کاری است که به یک سیاستگذاری همه جانبه و پخته و سنجیده احتیاج دارد و شورای عالی انقلاب فرهنگی بهترین جایگاه و بهترین مرجع هست که بتواند یک چنین سیاستگذاری را بکند.”^{۲۵} همچنین ایشان در

دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می فرمایند: “ در زمینه فرهنگ عمومی و مسایل که مربوط به فرهنگ عمومی است، جایی لازم است که متصدی شناخت و بحث و تصمیم گیری و ابلاغ برای اجرا - به مراکز خودش - باشد؛ و آن همین شورای عالی انقلاب فرهنگی است و انصافاً هیچ جایگزینی هم ندارد.^{۲۶}

یکی از اعضای شورای عالی با اشاره به جایگاه این شورا طی مصاحبه ای بیان می کند که: “ شورای عالی انقلاب فرهنگی حسب رسالت ذاتی خود مرجع عالی سیاست گذاری، تعیین خط و مشی تصمیم گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی کشور است و با توجه به دو رویکرد کلان نگری و آینده نگری به ترسیم، طراحی و تعیین خط‌مشی‌های فرهنگی کشور می پردازد. امروزه جریان آزاد اطلاعات موجب ظهور و گسترش پدیده‌های متنوع فرهنگی شده است. در چنین شرایطی سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف فرهنگی دقت و پویانی فزاینده‌ای می طلبد و وجود یک مدیریت متمرکز و منسجم کلان نگر را ایجاد می نماید. تلاش شورای عالی همواره این بوده که تحول محسوسی در وضعیت، فرهنگ، آموزش و پژوهش کشور به وجود آورد تا همگام با تحولات دنیای جدید بتواند مسیر رشد و بالندگی کشور را هموار نماید، جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی جایگاه سیاست گذاری در سطح کلان بوده است.^{۲۷}

همچنین خود شورای عالی در رابطه با جایگاه خود در چهارصد و نهمین نشست مورخ ۷۶/۸/۲۰ مصوبه تصویب نمود که در این مصوبه، شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط و مشی، تصمیم گیری، هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب شده است که تصمیمات و مصوبات آن لازم الاجرا و در حکم قانون است، که می توان جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی را در نمودار زیر به طور کلی خلاصه نمود.^{۲۸} (نمودار شماره ۴)



۲۳- همان، ص ۱۶.

۲۴- کی نژاد، محمد علی، جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی سیاست گذاری در سطح کلان، مجله گفت‌وگو، سال ۱۳۸۳، شماره ۷، ص ۳.

۲۵- اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بیست سال تلاش در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی، تهران، دانش پرور، سال ۱۳۸۴، ص ۱۰.

حال به بررسی چند سؤال که ممکن است در رابطه با جایگاه شورای عالی مطرح می‌شود، می‌پردازیم.

س ۱ - برای برخورداری یک نهاد از جایگاه حقوقی، آیا لزومی به تصریح آن در قانون اساسی می‌باشد یا خیر ؟

ج : برای برخورداری یک نهاد از جایگاه حقوقی، لزومی به تصریح وجود آن نهاد در قانون اساسی نیست و از تاریخ تصویب قانون اساسی تا کنون نهادهای متعددی با گسترده فعالیت کلان یا خرد بر حسب ضرورت‌هایی به وجود آمده‌اند که وجود چنین نهادهایی نیز صراحتاً یا ضمناً در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است. از سوی دیگر و حتی در فرض لزوم برخورداری شورای عالی از جایگاه قانون اساسی برای مشروعیت آن می‌توان به اصل یکصد و دهم قانون اساسی که در آن تعیین سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها را در اختیار رهبری قرار داده است اشاره نمود و شورای عالی انقلاب فرهنگی را به عنوان بازوی مشورتی مقام رهبری در تدوین سیاست‌های راهبردی در امور فرهنگی است. رویکرد نظری و علمی مقام معظم رهبری در این خصوص و تعبیر معظم له از این شورا به عنوان "مرکز مهندسی فرهنگی کشور" موید دیگر بر این استدلال است.

۲۹

س ۲ - شورای عالی انقلاب فرهنگی یک وزارتخانه هست یا یک موسسه دولتی و یا یک شرکت دولتی ؟

ج : این سؤال، سئوالی بی‌مبنا به نظر می‌رسد بدین علت که نه تنها لزومی به تبیین و جستجوی جایگاه شورای عالی در نظام اداری کشور، طبق مفاد قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶، وجود نداشته بلکه اساساً این امر مصداق بیهوده است. زیرا قانون محاسبات عمومی بنا به صراحت مفاد آن بویژه مواد ۲، ۳ و ۴ (که به تفکیک نهادهای اداری در سه نوع وزارتخانه، موسسه دولتی و شرکت دولتی از یکدیگر می‌پردازد). دقیقاً ناظر و حاکم بر نهادهای موجود در قوای سه‌گانه است و بدیهی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در زیر مجموعه قوای سه‌گانه جای ندارد تا ماهیت آن طبق قواعد تفکیک نهادهای اداری موجود در این قوا معین شود، بلکه این شورا در واقع یک نهاد انقلابی محسوب می‌شود که زیر نظر مقام معظم رهبری جهت تحقیق انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور ایجاد شده است. از سوی دیگر مگر نهادهایی مانند شورای عالی امنیت ملی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام (که دارای جایگاه معینی در قانون اساسی هستند) جزء سه دسته نهادهای اداری احصاء شده در قانون فوق محسوب و در نظام اداری کشور جایگاه "تعیین شده‌ای" دارند که شورای عالی انقلاب فرهنگی این جایگاه را ندارد؟ اینکه شورای عالی انقلاب فرهنگی برغم دو نهاد یاد شده حائز جایگاه تعریف شده‌ای در قانون اساسی نیست دلیلی ندارد که جایگاه آن را نظام اداری کشور و به مأخذ قانون محاسبات عمومی جستجو نمود و اگر در آن یافت نشود چنین نتیجه بگیریم که شورا فاقد جایگاه قانونی است. همچنین اصولاً لزومی به اخذ نتیجه مبنی بر عدم احتساب شورای عالی به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی وجود ندارد. به عبارت بهتر با توجه به عضویت رؤسای قوای سه‌گانه و تعدادی از وزیران و نیز نمایندگان مجلس شورای اسلامی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، جستجوی نام این شورا در مفاد قانون مربوط به فهرست نهادهای عمومی غیر

۲۶- قسمت دوم بند اول پاسخ اداره کل روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی به بیانیه جبهه مشارکت در مورد استعفای جناب دکتر معین وزیر سابق علوم، تحقیقات و فناوری (بیانیه جبهه مشارکت در صفحه دوم روزنامه یاس نو در مورخ ۸۲/۶/۲ به چاپ رسیده بود)

دولتی سالبه به انتفاء موضوع است و نهایتاً آنچه در این رابطه مد نظر می باشد این است که اصولاً چنین استدلال‌هایی جز پیچیدگی غیر واقعی و غیر ضروری موضوع و ایجاد ابهام در ذهن، هیچ فایده‌ای ندارد، زیرا اساساً فرآیند ایجاد شبهه نیز قواعد و ترتیبات خاص از جمله: «ارتباط موضوعی میان امر مورد شبهه و معیار و مأخذ ایجاد شبهه را می طلبد»^{۳۰}.

چون شورای عالی از نهادهای وابسته به رهبری است، به خاطر همین در دسته بندی نهایی نهاد مذکور را جزء قوه مجریه محسوب می کنند.

مبحث دوم: ارتباط شورای عالی با قوای سه گانه و نهادهای دیگر

«اصل تفکیک قوا به عنوان دستاورد قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی، تدابیر اساسی (ابزاری حقوقی) برای جلوگیری از تمرکز قدرت سیاسی در دست یا افراد یک گروه از فرمانروایان و پرهیز از استبداد و خودکامگی جلوه می کند. مونتسکیو با بیان این اصل در صدد تمهیدی برای دفاع از آزادی مردم و عدم سوء استفاده از قدرت بوده است»^{۳۱}. «در حال حاضر اصل تفکیک قوا در ساختار حاکمیت غالب کشورهای جهان با روش‌های متنوع رعایت می شود. در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز اصل مذکور هم در قانون اساسی سال ۵۸ و هم قانون اساسی سال ۶۸ در ساختار حاکمیت رعایت شده است به طوری که به موجب اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی عبارتند از: قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردد.....»^{۳۲} «دقت در اصل مذکور مبین این مطلب می باشد که مرکز تصمیم گیری‌ها و عوامل عمده تأثیرگذار در اداره کشور ولی فقیه و قوای سه گانه می باشد. بنابراین هر نقشی از هر نهادی باید به این عوامل منتهی شود»^{۳۳} به همین خاطر سعی خواهد شد ارتباط موجود بین شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک نهاد عالی تصمیم گیرنده در حیطه مسائل فرهنگی با قوای سه گانه مطرح شده را مورد بحث و بررسی قرار دهیم. همچنین علاوه بر قوای سه گانه، در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به نهادهایی بر می خوریم که در عمل مستقل از قوای مقننه و مجریه و قضائیه عمل می کنند. به عنوان مثال مجمع تشخیص مصلحت نظام از این نهادها می باشد. سعی خواهد شد، ارتباط شورای عالی با این نهادها هم مورد بحث قرار گیرد.

گفتار اول: ارتباط شورای عالی با قوای سه گانه

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهت پیاده کردن اهداف خود، نیازمند بازوی اجرایی است تا تصمیماتی که در راستای اهداف و وظایف اتخاذ می کند به مرحله عمل برساند. شورای مذکور در این رابطه با قوای سه گانه

۲۷- بند اول و دوم پاسخ اداره کل روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با مقاله «قانون نانوشته» منتشره در صفحه ۱۵ مورخ ۸۱/۱۰/۲ روزنامه همشهری .

۲۸- وکیل، امیر ساعد و عسکری پوریا، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجدد، چاپ اول، سال ۱۳۸۳، ص ۵۲.

۲۹- شریعتی، محمد صادق، بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، سال ۱۳۸۰، ص ۱۵۰.

(قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) ارتباط تنگاتنگی دارد. مقام معظم رهبری در دیداری اعضای شورای عالی به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس این شورا می فرمایند: " شورا برای عمل به وظایف خود نیازمند عقبه عملی و فرهنگی و خط مقدم اجرایی است. عقبه فکری شورای عالی انقلاب فرهنگی باید با بررسی عمیق مسائل مهم فرهنگی زمینه را برای تصمیم گیری نهایی شورای عالی در مهندسی کلان فرهنگ کشور فراهم سازند و قوای سه گانه و همه دستگاه ها و سازمانها نیز باید به عنوان خط مقدم شورای عالی و متناسب با وظایف خود به تصمیمات این شورا، جنبه اجرایی و عملی ببخشند"^{۳۳} در این قسمت سعی خواهد شد ارتباط شورای عالی با قوای سه گانه به صورت دقیق مورد بحث قرار گیرد.

بند اول : ارتباط با قوه مقننه

با در نظر گرفتن اصول ششم و پنجاه و ششم از قانون اساسی می توان گفت " قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران نهادی است که ریشه در آراء عمومی دارد و مظهر اراده عام ملت است."^{۳۴} همچنین به موجب اصل پنجاه و هشتم اعمال قوه مقننه از طریق از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می آید، برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می گردد. " اصل حاکمیت قانون اقتضا می کند که تمام امور جامعه بر طبق قوانین و قواعد کلی و عامی باشد که بر اساس آن همه مردم از حقوق و تکالیف یکسان برخوردار شوند. مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه آنچنان گسترده و متغیر است که نمی توان آنها را دقیقاً پیش بینی نمود لذا مجلس شورای اسلامی از سوی مردم مقام صالح برای شناخت نیازهای جامعه و تصویب قانون می باشد."^{۳۵}

شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی از نظر وظایف محوله، سنخیت ظاهری با هم دارند، چرا که اصل هفتاد و یکم قانون اساسی بیان می دارد که " مجلس شورای اسلامی در عمومی مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند " ولیکن شورای عالی نهاد قانونگذار عام نبوده و مصوبات آن نیز " قانون " نمی باشد، بلکه یک نهادی است که به امر سیاستگذاری در امور کلان کشور می پردازد مصوبات آن نیز همانند بسیاری از مصوبات دیگر در سیستم حقوقی کشور لازم الاجرا می باشد.

برای برخی که می پرسند جایگاه این شورا در رابطه با مجلس شورای اسلامی کجاست؟ می توان بیان نمود که: " شورای عالی نهادی موازی با مجلس شورای اسلامی نیست، چرا که شورای عالی تنها در یک حوزه (فرهنگی) از تمامی حوزه هایی که مجلس صلاحیت وضع قانون دارد به سیاستگذاری، آن هم در امور اساسی پرداخته و مصوبات خود را به منظور تبعیت نهادهای ذی ربط از این سیاستها اعمال می نماید. بنابراین نظراتی همچون موازی بودن شورای عالی با مجلس یا موازی بودن فعالیت شورا با فعالیت شورای عالی قوه مقننه به ویژه با اطلاق موجود در آنها صائب و رهنمون به واقع به نظر نمی رسد. منتها بحث مربوط به کیفیت تعامل مجلس شورای اسلامی و شورای عالی در تصویب و وضع و مقررات فرهنگی کشور و نوع و کیفیت رابطه

۳۰- از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس شورای مذکور؛، صبح روز

سه شنبه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۸.

۳۱- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا، پیشین، ص ۱۵۴.

۳۲- همان، ص ۲۸۷.

موجود میان مصوبات آنها در این حوزه، امری است که باید به تأمل و تعمق بیشتری بدان پرداخت.^{۳۶} بنابراین “با دورنگری و تعمق از طریق تضارب آراء و تعامل فکر متخصصان امر و انجام کارشناسی‌های متعدد در حوزه نظام حقوقی - سیاسی کشور می‌توان اراده موجود در حاکمیت نسبی بر تداوم موجودیت و اثربخشی حقیقی و واقعی شورا در درون مجموعه حاکمیت و نظام را در یک راهکار معین، دقیق و ضابطه‌مند جاری و مستقر نمود. به عبارت دیگر باید نوع کیفیت تعامل میان مجلس شورای عالی را تبیین نمود و بر اساس آن رابطه‌ای مشخص و تعریف شده‌ای بین مصوبات آنها برقرار ساخت، به نوعی که هم شأن مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد عمده و شاخص حوزه تقنینی کشور حفظ شود و از سوی دیگر بر موجودیت و اثرگذاری ضرورت شورای عالی انقلاب فرهنگی در محدوده وظایف و صلاحیت‌های ذاتی آن خدشه وارد نشود.”^{۳۷}

یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با تعامل مجلس شورای اسلامی و شورای عالی طی مصاحبه‌ای می‌فرماید: “اینان [مجلس و شورای عالی] وابسته به هم‌اند، به لحاظ اینکه هم شورای عالی انقلاب فرهنگی و هم مجلس شورای اسلامی از سیاستها و خط و مشی‌ها واحدی پیروی می‌کنند. هر دو شورا مصلحت کلی نظام را در نظر دارند مثلاً قانون برنامه دوم را در نظر بگیرد. خود قانون دوم در مجلس بررسی می‌شود، ولی پیشنهادش از سوی دولت می‌آید. مجلس هم در طول بررسیهای خود ناگزیر است پیوسته از دولت نظر بخواهد و بعد تصمیم‌گیری کند. بعد از تصمیم‌گیری دولت بی‌چون و چرا آن را اجرا کند پس هم نوعی استقلال وجود دارد (از لحاظ مسئولیت اجرایی) و هم نوعی وابستگی (از نظر توجه به مصلحتهای نظام). به طور کلی در جمهوری اسلامی، نهادهای خودکامه و خود رأی نداریم. شورای عالی انقلاب فرهنگی هم شورایی است که باید از معظم له رهبری اطاعت کند و علی‌الاصول، فعالیتها، برنامه‌ها، سیاستگذارها و قانونگذارهایش تابع اوامر معظم له باشد. مجلس نیز همین‌طور است. پس استقلالی که وجود دارد در واقع نوعی تقسیم کار و وظیفه است. آنچه به فرهنگ و به انقلاب فرهنگی بر می‌گردد به عنوان وظیفه بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی گذاشته شده است که سعی می‌کند آن را با هماهنگی با مجلس انجام دهد و مجلس هم به وظیفه عمومی خود عمل می‌کند.”^{۳۸}

از لحاظ ترکیب اعضاء شورای عالی، همانطور که قبلاً نیز بیان شد این شورا هم شامل اشخاص حقیقی است و هم اشخاص حقوقی. حضور رئیس مجلس شورای اسلامی و رؤسای چند تا از کمیسیونهای مجلس همچون: کمیسیون بهداشت و درمان، کمیسیون آموزش عالی، کمیسیون فرهنگی، کمیسیون هنر و ارشاد اسلامی، کمیسیون آموزش و تحقیقات، به عنوان اشخاص حقوقی نشان از تعامل و همکاری منسجم و اصولی مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

شورای عالی در جهت هماهنگی با مجلس شورای اسلامی، در جهت هماهنگی با مجلس شورای اسلامی، در پنجاه و پنجمین نشست خود در مورخ ۶۴/۱۱/۱۸، مصوبه‌ای تحت عنوان “شرکت نمایندگان شورای عالی

۳۳- قسمت دوم بند ۷ پاسخ اداره کل روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با «مقاله نانوشته» منتشره در صفحه ۱۵ مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲ روزنامه همشهری.

۳۴- همان.

۳۵- میر سلیم، مصطفی، پیشین، ص ۱۱۴.

انقلاب فرهنگی در کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی را به تصویب رساند.^{۳۹} آیا عمل مذکور می تواند متقابلاً از سوی مجلس شورای اسلامی صورت گیرد. و واضح تر اینکه آیا مجلس شورای اسلامی حق وضع قانون در خصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی را دارد یا خیر؟^{۴۰} این سئوالی بود که دبیر شورای عالی از شورای نگهبان طی نامه ای به شماره ۱۳۵۶/دش مورخ ۷۴/۵/۲۳ پرسیده بود که شورای نگهبان نیز طی نامه ای به شماره ۸۸۹ مورخ ۷۴/۶/۲۶ از ارائه جواب واضح امتناع کرد^{۴۰} و شورای عالی را مردد نمود.

بند دوم: ارتباط با قوه مجریه

“قوه مجریه یا عامل اجرایی حکومت مرکب از شماری مقامات عالی اجرایی است که عهده دار اجرای قوانین و رهبری سیاست دولت می باشد.”^{۴۱} این قوه یکی از قوای سه گانه حاکم در حکومت جمهوری اسلامی ایران است. “به سبب اهمیت نقش قوه مجریه، و از آنجا که قدرت یک نظام حکومتی عمدتاً در قوه مجریه متبلور و آشکار می گردد، طراحان ساختار حکومت همواره تلاش می کنند تا در عین وجود اختیارات لازم برای اجراء امور جاری و سیاستهای عمومی کشور، قدرت این قوه را کنترل نمایند تا بدین وسیله از فساد احتمالی جلوگیری شود. لذا به انحاء مختلف نسبت به آن اعمال نظارت‌های گوناگونی را پیش بینی می کنند.”^{۴۲} قوه مجریه همانطور که مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط وضع شده مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد ملزم است مصوبات تصویب شده شورای عالی انقلاب فرهنگی که در “حکم قانون” است را به اجرا بگذارد. جناب میر سلیم دبیر شورای عالی سابق راجع به اجرای مصوبات شورای عالی توسط نهادهای دولتی می گوید: “ما درباره دولت یا نهادهای وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی به همان صورت اقدام می کنیم. قانونی که در مجلس تصویب شود و دولت باید آن را اجرا کند، اگر اجرا نشود، دستگاه‌های بازرسی و نظارتی که وجود دارد [مثال]: بازرسی کلی کشور و دیوان عدالت اداری که پس از بررسی و تحقیق خلافها را گزارش می کنند و مجلس متخلفان را بازخواست می کند. البته ما از بازرسی کل کشور مستقیماً استفاده نمی کنیم، بلکه خود شورای عالی دارای یک هیأت نظارت و بازرسی است که بر اجرای مصوبات نظارت می کند.”^{۴۳} با توجه به مسائل مذکور می توان گفت شورای عالی و قوه مجریه در عمل لازم و ملزوم یکدیگرند.

هیچ یک از شوراهای اقماری وظیفه اجرایی ندارد. همانطوری که از عنوان شوراهای مذکور مشخص است شوراهای فرعی شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب شده و تصمیمات آنها لزوماً می بایست به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد، لذا این شورا به تبعیت از شورای عالی انقلاب فرهنگی، صرفاً نسبت به تعیین سیاست‌ها و اولویت‌ها در حدود موضوعات مندرج در آئین نامه خود پرداخته و هر یک از این شوراهای به عنوان

۳۶- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اداره کل روابط عمومی، مجموعه مصوبات و ابلاغیه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۶۳)، جلد اول، ص ۱۲۳.

۳۷- مؤذنیان، محمد رضا، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیر و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه‌ها و تذکرات ۱۳۸۰-۱۳۵۹، تهران، سروش، تابستان ۱۳۸۱، صص ۴۴۰-۴۳۷.

۳۸- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، زمستان سال ۱۳۸۲، ص ۸۳.

۳۹- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (مبانی نظام، نهادهای سیاسی و شرح قانون اساسی)، تهران، الهدی، سال ۱۳۸۱، ص ۲۸۵.

۴۰- میر سلیم، مصطفی، پیشین، ص ۱۱۵.

یک نهاد عالی سیاست گذار، هدایت گر و ناظر در زیر مجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی عمل می نمایند تعمق و تدقیق در وظایف و صلاحیتهای مذکور در آئین نامه شوراهای اقماری چهارگانه (شورای فرهنگ عمومی، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شورای هنر و شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی) مبین این واقعیت است که این شوراها با هدف سیاستگذاری و تعیین اولویتها در موضوعات مرتبط با صلاحیت و وظایف مندرج در آئین نامه آنها و همچنین ایجاد هماهنگی های لازم در بین دستگاه های ذی ربط جهت دستیابی به سیاستهای اصولی تشکیل شده اند و هیچ کدام از آنها وظیفه اجرایی ندارند.^{۴۴} شورای عالی در جهت هماهنگی و همخوانی لازم بین دستگاه های اجرایی (مثل وزارتخانه ها و نهادهای دولتی) و شوراهای اقماری، عالی ترین مقام مسئول در هر یک از دستگاه های اجرایی ذیربط را به عنوان رئیس واحد و یا حداقل به عنوان عضو اصلی و ثابت شورای اقماری مربوطه قرار می دهد. مثلاً در شورای فرهنگی اجتماعی زنان به موجب ماده دوم آئین نامه آن، نماینده رئیس جمهور (معمولاً رئیس دفتر امور مشارکت زنان)، دو نفر از بانوان نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده قوه قضائیه و نمایندگان برخی دیگر از نهادهای موجود مملکتی عضو این شورا می باشند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مطابق بند اول از ماده دوم آئین نامه شورای فرهنگ عمومی بعنوان رئیس شورای فرهنگ عمومی و عضو ثابت و اصلی شورای هنر طبق تبصره یک ذیل ماده دوم آئین نامه شورای هنر می باشد. همچنین طبق ماده دوم آئین نامه شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش عضویت شورای مذکور را به عهده دارند.

حضور رئیس جمهور و چند تن از وزراء همچون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزیر آموزش و پرورش، وزیر علوم و تحقیقات و وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی در ترکیب اعضای شورای عالی موجب شده که شورای عالی با قوه مجریه ارتباط وسیع و گسترده ای داشته باشد. در هشتاد و هشتمین نشست شورای عالی مورخ ۶۵/۷/۱۵ تحت عنوان «همکاری دولت در اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»^{۴۵} به تصویب رسید که در آن مقرر شده بود به دولت رسماً و کتباً اطلاع داده شود مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در حکم قانون است و وزارتخانه های مختلف (به عنوان دستگاه های اجرایی) لازم است در مورد تأمین بودجه و مساعدت های مورد نیاز بر اجرای مصوبات همکاری لازم را داشته باشند. در حالی که در اصل پنجاه و دوم قانون اساسی آمده که «بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می گردد. هر گونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مقررات مقرر در قانون خواهد بود.» بدین صورت وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی دیگر بر خلاف قانون اساسی، ارقام بودجه را تغییر بدهند، در حالی که این مورد خلاف اصل می باشد.

بند سوم : ارتباط با قوه قضائیه

۴۱- بند چهارم پاسخ اداره کل روابط عمومی شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با مقاله « نقدی بر کارکرد شورای عالی انقلاب فرهنگی » به قلم جناب ولی ا... شجاع پوریان نماینده محترم مردم بهبهان در مجلس شورای اسلامی منتشره در صفحه سوم ، روزنامه یاس نو ، مورخ ۸۲/۲/۲۲

۴۲- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی اداره کل روابط عمومی ، پیشین ، ص ۲۰۶ .

قوه قضائیه به موجب اصل یکصد و پنجاه و ششم از قانون اساسی قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مشمول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است :

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

استقلال قوه قضائیه و تفکیک قوا به معنای نفی هر گونه ارتباط و مراده نیست.^{۴۶} قوه مذکور در جهت پیشبرد اهداف نظام اسلامی ملزم است با نهادهای قوای دیگر تعامل و در عین حال هماهنگ باشد. به موجب اصل یکصد و ششم قانون اساسی وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به قوه قضائیه یا مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد آیا برقراری ارتباط قوه قضائیه با نهادهای دیگر نیز مشمول اصل مذکور می شود؟ به نظر می رسد که وزیر دادگستری چنین وظیفه ای ندارد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک نهاد انقلابی ارتباط خاصی با قوه قضائیه دارد. حضور ریاست محترم قوه قضائیه به عنوان شخص حقوقی در ترکیب اعضای شورای عالی و حضور نمایندگان قوه مذکور در شوراهای اقماری نشان از هماهنگی و تعامل آن دو می باشد. شورای عالی همچنین برای هماهنگی هر چه بیشتر با قوه قضائیه در یکصد و شصت و دومین جلسه مورخ ۶۷/۶/۲۲ مصوبه ای تصویب نمود که طبق آن نماینده شورای عالی قضایی، به عنوان یکی از اعضای شورای فرهنگی و اجتماعی زنان معرفی شد.^{۴۷} نمونه دیگر ایجاد هماهنگی های لازم با دیوان عدالت اداری است در پنجاهمین نشست مورخ ۶۴/۱۰/۳ مقرر شد که طی بخشنامه ای به مراجع قضایی و کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و دیوان عدالت اداری اطلاع داده شود که احکام کمیته مرکزی انضباطی دانشجویان که زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی است قطعی است و چنانچه حضرت امام [ره] تصریح فرموده اند در حکم قانون است.^{۴۸} همچنین در هشتاد و سومین نشست مورخ ۶۵/۶/۱۱ مقرر شد که به دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی و بازرسی کل کشور اطلاع داده شود که احکام نهایی صادر شده توسط هیئت مرکزی گزینش دانشجو و کمیته مرکزی انضباطی بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است و با توجه به اظهار نظر امام [ره] نیست. بنابر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، نهادهای مذکور نبایستی به این مصوبات مخالفت نمایند و احکام مذکور را مورد سؤال و تردید قرار دهند.^{۴۹}

۴۳- نجفی اسفاد، مرتضی و محسنی، فرید، پیشین، ص ۳۶۱.

۴۴- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و اداره کل روابط عمومی، پیشین، ص ۴۷۸.

۴۵- همان، ص ۱۰۹.

۴۶- همان، ص ۱۹۴.

ضوابط و قواعدی را که شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای اهداف و وظایف خود وضع می کند حضرت امام ره فرمودند که باید ترتیب آثار داده شود.^{۵۰} از طرف دیگر پشتیبانی و احقاق حقوق عامه و گسترش آزادیهای مشروع از اهداف قوه قضائیه هستند. مطابق اصول ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۷۳ و ۱۷۴ قوه قضائیه به وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین می پردازد.^{۵۱} پس می توان گفت که قوه قضائیه وظیفه نظارت بر حسن اجرای قواعد و ضوابط مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را در راستای اهداف و وظایفی دارد و همچنین وظیفه دارد متخلفین را شناسایی و مجازات نماید. در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۶/۱۱/۴ با مقام معظم رهبری، ایشان می فرمایند: «... مصوبات این شورا لازم الاجرا است، به هر جا که ابلاغ شد، دستگاه اجرایی موظفند اجرا کنند... البته همه دستگاهها باید خودشان را موظف بدانند و عمل کنند. به بنده گزارش دادند که بعضی از دستگاهها مصوبه ای این جا را خیلی تحویل نمی گیرند! معلوم است که تخلف می کنند. باید با تخلف برخورد بشود، باید دنباله گیری بشود، به آنها اخطار بشود و موظف باشند که به آنچه از این جا ابلاغ می شود، ترتیب اثر بدهند و مثل یک امر واجب اطاعه اطاعت بکنند. مسلماً این وظیفه بر عهده قوه قضائیه است.

گفتار دوم: ارتباط شورای عالی با نهادهای دیگر

همان طور که قبلاً بیان شد به موجب اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه است ولیکن علاوه بر قوای سه گانه در ساختار حاکمیت به نهادهایی بر می خوریم که به نحوی مستقل از قوای مذکور است و نقش بسزایی در کشور دارد. مسلماً همانطور که شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان یک مرجع عالی تصمیم گیرنده در مسائل مربوط به فرهنگ با قوای سه گانه ارتباط دارد با این نهادها نیز ارتباطهایی دارد. در ذیل به بررسی ارتباط موجود بین شورای عالی انقلاب فرهنگی با نهاد مقام معظم رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان نمونه پردازیم:

بند اول: ارتباط با نهاد مقام معظم رهبری

« رهبری یک واجد مقبولیت عام است باید در بین سایرین از جهت اخلاقی، نفوذ اجتماعی حسن شهرت، تقوا، کیاست و غیره آنچنان چهره مطلوب و شاخصی داشته باشد که توجه همگان مردم را به خود جلب نماید.»^{۵۲} چنین امری را خود قانون اساسی به صورت اصولی و منسجم پیش بینی نموده، به طوری که به موجب اصل یکصد و نهم رهبر جمهوری اسلامی باید شرایط و صفات ذیل را داشته باشند: ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری. « رهبر از یک سو، منتخب خبرگان بوده و در مقام ریاست و حاکمیت کشور در رأی هرم نظام قرار می گیرد و از سوی دیگر عالی ترین مقام رسمی کشور

۴۷- رئیس جمهور وقت (مقام معظم رهبری)، نظر امام خمینی (ره) را در باره اعتبار مصوبات شورا استفسار نمود ایشان طی نامه ای به بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی بیان داشتند که « شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تأمین اهداف و دستوراتی که در حکم حضرت عالی بدان تصریح شده، ناچار است ضوابط و قواعدی وضع کند. همکاری و دخالت قوه قضائیه در موارد لزوم منوط به آن است که مصوبات این شورا دارای اعتباری در حد قانون باشد » نظر امام (ره) را جویا شدند. امام (ره) در مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۶ تأکید به ترتیب آثار دادن مصوبات شورا را نمودند.

۴۸- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا، پیشین، ص ۴۰۲.

۴۹- همان، ص ۳۵۴.

است. بدون تردید در خصوص حاکمیت داخلی می توان قائل بر آن شد که رهبر عالی ترین مقام سیاسی است.^{۵۳} علی رغم مقام والای نهاد رهبری در میان سایر ارکان نظام باید گفت که این، نهاد، نهادی در چارچوب قانون اساسی و اختیارات و وظایف آنرا نباید ورای قانون اساسی یا فراتر از قانون پنداشت.^{۵۴} رهبر در جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل یکصد و هفتم با سایر افراد کشور در برابر قوانین مساوی است و هیچ برتری ندارد. به خاطر اهمیت ارزش والای این نهاد در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی اصول ۱، ۲، ۵، ۵۷، ۶۰، ۹۱، ۱۴۲، ۱۱۳، ۱۶۲ از قانون اساسی مربوط به نهاد رهبری است.

نهاد رهبری در عین حال با قوای سه گانه و همچنین نهادها و شوراهای موجود در ساختار حاکمیت ارتباطی دارد. در ادامه به چند نمونه از ارتباطهای موجود بین نهاد رهبری و شورای عالی انقلاب فرهنگی به صورت اجمالی اشاره خواهد شد؛ همان طوری که قبلاً بحث شد شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ توسط رهبر فقید انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام [ره] تشکیل و پس از رحلت آن حضرت، به موجب فرمان مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت... خامنه ای، با افزایش دادن اعضای جدید به فعالیت شورا ادامه داده است. در قسمت اختیارات رهبری بحث شد که منشأ وجودی این شورا فرمان رهبری است. همچنین اعضای حقیقی شورای عالی به مدت معینی توسط مقام رهبری منصوب می شود، چرا که اعضای شورای عالی مرکب است از اعضای حقوقی و حقیقی. به طوری که در ۱۹ آذر سال ۱۳۶۳ شورای عالی طی فرمان امام [ره] با ترکیب جدید شروع و سپس در سال ۱۳۷۵ توسط رهبر معظم انقلاب نیز ترکیب جدید اعضای شورای عالی معرفی شد و در سال ۱۳۸۱ برای یک یک دوره سه ساله مجدداً اعضای حقیقی توسط مقام رهبری منصوب شدند.

به موجب ماده دوم آئین نامه داخلی شورای عالی (مصوب ۸۳/۲/۵) دبیر از میان اعضا برای مدت دو سال انتخاب و پس از تصویب رهبر انقلاب اسلامی با حکم رئیس شورای عالی منصوب می شود. رابطه بین نهاد رهبری با شورای عالی تنها به موارد فوق محدود نمی شود. بلکه شورای عالی مکلف است از سیاست های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران که به موجب بند اول از اصل یکصد و دهم قانون اساسی توسط مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت اتخاذ نموده، تبعیت نماید. به طوری که شورا فعالیتها و تصمیماتی که اتخاذ می کند در چهار چوب سیاست های کلی نظام باشد. چرا که در سیاستهای اتخاذ شده کلی توسط مقام رهبر مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شده است.

بند دوم: ارتباط با مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام به فرمان امام خمینی [ره] مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ تأسیس گردید و در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ در قانون اساسی درج شد و قوت قانونی به خود گرفت و در واقع فلسفه وجودی اش راهکاری در حل معضل تقابل مصالح نظام و موازین شرع است. وظایف خاص این مجمع عبارت است از: ۱- حل

۵۰- ر.ک: هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مبانی کلی نظام)، جلد اول، صص ۴۵۵ - ۴۵۴.

۵۱- وکیل، امیر ساعد و عسکری، پوریا، پیشین، ص ۳۵۴.

اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان که در این مورد مجمع تشخیص مصلحت می‌کند. این تشخیص مقید به قیدی نیست، یعنی مجمع لازم نیست نظر مجلس شورای اسلامی را قبول کند و یا نظر شورای نگهبان بلکه با شناخت مصلحت نظر ثالثی را می‌تواند اتخاذ کند. آیا مجمع مذکور در مواقعی که مجلس شورای نگهبان اختلافی نداشته باشد می‌تواند وارد عمل شود؟ بصورت اصولی مجمع تشخیص مصلحت نظام چنین حقی را ندارد. ولیکن "مجمع عملاً گاهی از اوقات در قسمت‌هایی هم که مورد اختلاف مجلس شورای نگهبان نیست وارد رسیدگی شده و حذف و اصلاح در آن انجام می‌دهد، چنان که در قانون کار و قانون لزوم تثبیت تعداد کاندیداها انجام داده است. به علاوه پس از تشخیص مصلحت و اظهار نظر خود، در مقام تنظیم موارد بر می‌آید و قانون را برای رئیس جمهور جهت امضاء و ابلاغ می‌فرستد.^{۵۵} همچنین مشاوره در اموری که رهبر به آن ارجاع می‌دهد، از این مشاورت‌ها می‌توان به بند اول اصل یکصد و دهم و اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی اشاره نمود. مثلاً اصل یکصد و دهم (بند اول) تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران را وظایف رهبری شمرده پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام.^{۵۶} از دیگر وظایف از این مجمع می‌توان به بند هشتم اصل یکصد و دهم؛ حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت می‌داند و اصل یکصد و یازدهم که بیان می‌دارد در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند، اشاره نمود.

"این شورا [شورای عالی انقلاب فرهنگی] به لحاظ این که اعضای آن از طرف مقام رهبری تعیین می‌شود بازوی فرهنگی رهبری محسوب می‌شود. اگر شورا به لحاظ تخصص ویژه‌ای که امر فرهنگ دارد اقدام به تعیین سیاست‌هایی در این زمینه کند، به نظر می‌رسد موضوع مصلحت محرز بوده و مجمع باید قانون مناسب با آن را وضع کند. مثلاً اگر شورا به این نتیجه برسد که تأسیس مدارس غیر انتفاعی و یا تدریس دروس خصوصی توسط دبیران موجب افت شدید تحصیلی مدارس دولتی می‌شود، به ارتقای علمی عده کثیری از دانش‌آموزان که توان راه‌یابی به مدارس غیر انتفاعی و مراکز خصوص را ندارند لطمه جبران‌ناپذیری می‌زند، مجمع تشخیص مصلحت باید قانون منع تأسیس مدارس غیر انتفاعی و یا تدریس خصوصی دبیران را تصویب کند."^{۵۷}

۵۲- مهرپور، حسین، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۷۶.

۵۳- این سیاست‌های کلی اصولی هستند که به وسیله مراجع ذیصلاح در کشور وضع شده و به عنوان یک الگو و راهنما، اقدامات و فعالیت‌های لازم در جامعه را رهبری می‌کنند.

«الوانی، سید مهدی، تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) سال ۱۳۶۹، ص ۲۴»

۵۴- شریعتی، محمد صادق، پیشین، ص ۱۶۲.

نتیجه‌گیری؛

منشاء وجودی شوراهای موجود در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بطور کلی چهار مرجع می‌باشد. بعضی از شوراها توسط قانون اساسی، بعضی توسط قوانین عادی، بعضی توسط مصوبات هیئت وزیران و بعضی هم توسط مقام رهبری تأسیس شده‌اند. شورای عالی انقلاب فرهنگی به تبع ستاد انقلاب فرهنگی از جمله شوراهایی است که توسط حضرت امام خمینی (ره) بوجود آمده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاستگذاری، تعیین خط مشی، تصمیم‌گیری و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب شده که تصویبات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است. شورای عالی در راستای اهداف و وظایف خاص محوله با قوای سه‌گانه مطرح در اصل ۵۷ قانون اساسی (قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) و نهادهای مطرح در جمهوری اسلامی ایران ارتباط‌های تنگاتنگی دارد. چرا که در عمل شورای عالی با قوه مقننه از لحاظ وظایف محوله سنخیت دارد هم شورای عالی و هم مجلس شورای اسلامی به عنوان نهاد تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شوند. قوه مجریه همانطور که مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط وضع شده مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد ملزم است مصوبات تصویب شده شورای عالی که در حکم قانون است را به اجرا بگذارد همچنین قوه قضائیه وظیفه نظارت بر حسن اجرای قواعد و ضوابط مصوب شورای عالی را در راستای اهداف و وظایف دارد و متخلف از مصوبات شورای عالی را تعقیب و مجازات می‌نماید. علاوه بر ارتباط‌های مذکور شورای عالی با قوای سه‌گانه بعنوان اشخاص حقوقی در شورای مذکور عضویت دارند. تصویبات شورای عالی باید در چارچوب سیاست‌های کلی نظام (موضوع بند اول اصل صد و دهم قانون اساسی) باید باشد چرا که سیاست‌های اتخاذ شده کلی توسط مقام رهبری مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح حجمی تأمین شده است همچنین اعضای حقیقی شورا توسط مقام رهبری تعیین می‌شود بازوی رهبری محسوب می‌شود. اگر شورا به لحاظ تخصص ویژه‌ای که امر فرهنگ دارد اقدام به تعیین سیاست‌هایی در این زمینه کند، به نظر می‌رسد موضوع مصلحت محرز بوده و مجمع باید قانون متناسب با آن را وضع کند.

“The Legal Status of the Supreme Council of Cultural Revolution in the Context of Iranian Government and Its Relationship with Triple Powers and Other Institutions”

Abstract:

The Supreme Council of Cultural Revolution has been considered as a policy maker, strategy determiner, decision maker and direction of cultural, educational and research affairs of the country, in the context of general policies of the Islamic regime, decisions of which being binding and considered as law. With this approach certain assignment such as “correction and elevation of culture and alignment of cultural affair in order to maintain and enhance the religion-based culture of the people, and to realization of the new Islamic civilization, is defined.

The mentioned council in order to fulfill its duties has close relationship with the triple institutions as provided by the 57th principle of The Constitution (Parliament, Executive and The Judiciary) and also other institutions such as The Leadership Office and The Expediency Council. Because these institutions are the key decision making centers and the principle organs in governing of the country. Thus every particular role of every institution has to lead to these organs. This paper after the exact expression of The Council in the context of the Government of the Islamic Republic of Iran, will discuss the relationship of the mentioned council with the triple institution(as provided by the 57th principle of The Constitution) and with other organs.

Key Words: The Supreme Council of The Cultural Revolution, Triple Powers, the “Velayat-e-Faghih” institution, The Expediency Council.